

بررسی وضعیت آگاهی، دسترسی و استفاده دانش‌آموزان از منابع اطلاعاتی مؤثر بر انتخاب رشته تحصیلی

یاسر رضایور میرصالح^۱، مریم شفایی^۲، سمیه براتی^۳

چکیده

تاریخ دریافت: ۹۵/۷/۱۶ - تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۰/۲۰

هدف: هدف از پژوهش حاضر ارزیابی وضعیت آگاهی، دسترسی و استفاده دانش‌آموزان سال دوم دوره دوم متوسطه شهرستان سی سخت از منابع اطلاعاتی مؤثر بر انتخاب رشته تحصیلی بود. **روش:** پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی از نوع پیمایشی است که در میان دانش‌آموزان سال دوم دوره دوم متوسطه شهرستان سی سخت که در سال تحصیلی ۹۴-۹۵ به انتخاب رشته تحصیلی پرداخته بودند، انجام شد. ۱۸۷ دانش‌آموز به شیوه نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند و به یک پرسشنامه محقق ساخته که وضعیت موجود میزان آگاهی، دسترسی و استفاده از منابع مؤثر بر انتخاب رشته تحصیلی در دانش‌آموزان را مورد بررسی قرار می‌داد، پاسخ دادند. داده‌های گردآوری شده با استفاده از آزمون دو جمله‌ای مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. **یافته‌ها:** نتایج نشان داد که دانش‌آموزان نسبت به نقش استفاده از نظرات متخصصان هر رشته، نظرات معلمان و دانش‌آموزان سال بالاتر، تحلیل عملکرد تحصیلی خود در سال‌های گذشته، تحقیق فردی و سنجش علایق و استعدادها خود در انتخاب رشته مناسب آگاه بودند، این منابع در دسترس آن‌ها بود و در عمل نیز از آن‌ها برای انتخاب رشته خود استفاده کرده بودند. یافته‌ها همچنین نشان داد که دانش‌آموزان از نقش مشاوران و مراکز خصوصی مشاوره

۱. گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه اردکان (نویسنده مسئول) y.rezapour@ardakan.ac.ir

۲. دانش‌آموخته رشته علوم تربیتی، گرایش برنامه ریزی درسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردکان.

۳. کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه اردکان.

برای انتخاب رشته مناسب آگاه بودند، اما به جز مشاوران مدارس، منابع دیگر مشاوره در دسترس بسیاری از آن‌ها نبود و بیشتر آن‌ها از خدمات این مراکز در انتخاب رشته استفاده نکرده بودند. دانش‌آموزان از نقش خدماتی که مدرسه می‌تواند به آن‌ها برای انتخاب رشته بدهد، و همچنین از نقش مطالعه فردی، استفاده از وسایل سمعی و بصری و بازدید از مشاغل در کسب اطلاعات برای انتخاب رشته مناسب آگاه بودند، اما امکانات دسترسی به این منابع برای حداقل نیمی از آن‌ها فراهم نبود و بسیاری از آن‌ها از این منابع در انتخاب رشته تحصیلی خود استفاده نکرده بودند. نتیجه‌گیری: بر اساس یافته‌های پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که آگاهی نسبتاً خوبی در مورد منابع مؤثر بر انتخاب رشته در دانش‌آموزان شرکت‌کننده در پژوهش وجود داشت، اما بسیاری از این منابع، خصوصاً مراکز مشاوره، در دسترس این دانش‌آموزان که در یک شهر منطقه سه کشور (از لحاظ منطقه بندی کنکور سراسری) زندگی می‌کردند وجود نداشت و این امر منجر به عدم استفاده این دانش‌آموزان از بسیاری از منابع مؤثر در انتخاب رشته شده بود و بنابراین می‌توانست انتخاب رشته مناسب را در آن‌ها تحت تأثیر قرار دهد.

کلید واژه‌ها: منابع اطلاعاتی، انتخاب رشته.

مقدمه

آموزش و پرورش را می‌توان مهم‌ترین و اساسی‌ترین رکن زیربنایی یک کشور دانست که خود مسیر حرکت آینده کشور را تعیین می‌کند و به عنوان یک نهاد اجتماعی مسئولیت مهمی را در تربیت دانش‌آموزان برعهده دارد. یکی از هدف‌های مهم نظام آموزشی هدایت تحصیلی دانش‌آموزان در مسیری است که با پیمودن آن نیازهای جامعه از یک سو و نیازهای فردی آن‌ها از سوی دیگر برطرف شود و بی‌توجهی به این مسئله می‌تواند آثار مخربی را در سال‌های آینده در پی داشته باشد (احمدی، ۱۳۸۳، ص ۲۴). منظور از هدایت تحصیلی در دوره متوسطه، هدایت دانش‌آموزان به مناسب‌ترین شاخه یا رشته تحصیلی براساس استعداد و علاقه آنان و به تناسب امکانات و نیازهای کشور است (شکرکن و همکاران، ۱۳۷۸).

انتخاب رشته تحصیلی اهمیت فراوانی دارد زیرا انتخاب نادرست رشته تحصیلی سبب افت علمی کشور و تضییع منابع اقتصادی و انسانی و بی‌تفاوتی و بی‌انگیزگی دانش‌آموز نسبت به مسائل فردی و اجتماعی می‌شود (شفیع‌آبادی، ۱۳۸۹). انتخاب

رشته نامناسب باعث می‌شود فرد هدف درستی در یکی از ابعاد مهم سبک زندگی یعنی تحصیل و بعدها شغل نداشته باشد و دچار یک حالت سردرگمی و بی‌هویتی شود (گوردون و استیل^۱، ۲۰۰۳).

اگر دانش‌آموزان به صورتی درست و متعادل به یک رشته تحصیلی هدایت نشوند، موجب سرگردانی، اتلاف وقت و به هدر رفتن منابع جامعه می‌شود، اما از سویی دیگر، اگر هدایت تحصیلی متناسب با شناخت تواناییها و رغبت‌های افراد و نیازها و امکانات جامعه انجام شود نظام آموزشی به صورتی شایسته و منظم در جهت هدف‌های پیش‌بینی شده پیش خواهد رفت. آنچه از بررسی نتایج محدود پژوهش‌های انجام شده در این زمینه برمی‌آید این است که بسیاری از دانش‌آموزان و دانشجویان انتخاب رشته درستی ندارند و این انتخاب نادرست پیامدهایی را برای آن‌ها به همراه دارد. برای مثال، مرادی و اخوان تفتی (۱۳۹۲) دریافتند که تعداد زیادی از دانش‌آموزان در رشته‌های نظری از انتخاب رشته خود رضایت نداشتند؛ در این بین نیز بیشترین رضایت را دانش‌آموزان رشته علوم انسانی و کمترین رضایت را دانش‌آموزان رشته علوم ریاضی-فیزیک از انتخاب رشته‌شان داشتند. حکیم (۱۳۹۲) دریافت که بسیاری از دانشجویان رشته پرستاری (۸۱/۱٪) از رشته تحصیلی خود رضایت پایینی دارند. عزیزی (۱۳۸۷) با تمرکز بر علوم انسانی به بررسی دیدگاه‌های دانشجویان در خصوص مسائل و مشکلات علوم انسانی و درجه رضایت آنان از تحصیل در این رشته پرداخت. نتیجه مطالعات وی نشان داد که میزان رضایت دانشجویان از رشته خود و از فضا و امکانات آموزشی چندان مطلوب نبود. عنبری و همکارانش (۱۳۹۲) رضایت دانشجویان دانشگاه اراک را در حد متوسطی گزارش کرد و نشان داد که رضایت از رشته تحصیلی با پیشرفت تحصیلی ارتباط معنی‌داری دارد. حسین پور، حسن زاده و مداح (۱۳۸۹) نیز گزارش کردند که بین رضایت از رشته تحصیلی و پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان رشته‌های کار و دانش

ارتباط معنی‌داری وجود دارد. بهنام فرو همکارانش (۱۳۹۴) دریافتند که عدم رضایت از انتخاب رشته تحصیلی موجب می‌شود دانشجو در کلاس درس بیشتر سکوت کرده و کمتر در مباحث کلاسی درگیر شود. با این وجود، پژوهش‌های انجام شده در این زمینه بسیار محدود هستند و اندک پژوهش‌های انجام شده نیز بیشتر رضایت از رشته تحصیلی دانشجویان را مورد بررسی قرار داده‌اند و نیاز به انجام پژوهش‌های بیشتر در دانش‌آموزان احساس می‌شود.

انتخاب رشته تحصیلی نامناسب در دانش‌آموزان علت‌های مختلفی ممکن است داشته باشد. از عوامل بسیار مهم در انتخاب رشته تحصیلی این است که فرد براساس علاقه و استعدادهای خود دست به انتخاب رشته بزند. اگر انتخاب رشته مورد علاقه فرد نباشد باعث از بین رفتن بسیاری از لذت‌ها و موفقیت‌ها در فرد می‌شود و بسیار اتفاق افتاده است که دانش‌آموزان فعال و با استعداد به خاطر اینکه رشته تحصیلی مناسبی را در دبیرستان انتخاب نکرده‌اند در ادامه تحصیل و یا پیدا کردن شغل مرتبط با رشته خود ناکام مانده‌اند. همچنین توانایی علمی و استعداد فرد و همخوانی آن با رشته مورد علاقه دانش‌آموز نیز از عوامل بسیار مهم در انتخاب رشته به حساب می‌آید (شفیع‌آبادی، ۱۳۸۹).

اشتباه در انتخاب رشته تحصیلی مناسب نه تنها زندگی تحصیلی یک دانش‌آموز را تحت تاثیر قرار می‌دهد، بلکه ممکن است تبعات مختلفی در ابعاد دیگر زندگی وی داشته باشد. دانش‌آموزی که رشته تحصیلی درستی انتخاب نمی‌کند نمی‌تواند وارد شغلی شود که به آن علاقه مند است و استعداد انجام آن را دارد، بنابراین این دانش‌آموز در زندگی شغلی خود نیز دچار مشکل می‌شود (شفیع‌آبادی، ۱۳۹۳). دانش‌آموزی که رشته مناسبی انتخاب نکرده است و در رشته‌ای تحصیل می‌کند که نسبت به ویژگی‌های آن آگاهی کمی دارد یا علاقه مند به آن نیست، هدف درستی هم برای ادامه تحصیل در آن رشته ندارد. در نتیجه این دسته از دانش‌آموزان که عمدتاً در اوایل سن بلوغ و دوره شکل‌گیری هویت خود نیز قرار دارند ممکن است به علت نداشتن هدف

مشخص در تحصیل و شغل، از لحاظ شکل‌گیری هویت نیز دچار مشکل شوند و پیامدهای ناخوشایندی در انتظار آن‌ها که هویت درستی برای زندگی ندارند، باشد (گوشو^۱ و همکاران، ۲۰۰۶).

بسیاری از دانش‌آموزان در پیروی از همکلاسیها و دوستان خود بدون اینکه آگاهی چندانی در مورد یک رشته تحصیلی داشته باشند وارد آن می‌شوند و بعد از گذشت چند سال متوجه می‌شوند در آن رشته هیچ علاقه و استعدادی ندارند. این دسته از دانش‌آموزان که احتمالاً هویت وابسته‌ای نسبت به همکلاسان و هم دوره‌ای هایشان داشته‌اند (شفیع آبادی، ۱۳۹۳)، در ادامه نیز همان طور که در بالا اشاره شد احتمالاً به هویت مستقلی نخواهند رسید. دسته دیگری از دانش‌آموزان هستند که به تبع نظرات والدینشان و طبقه اجتماعی و جایگاه اقتصادی و فرهنگی و ارزشی که یک دسته از مشاغل در جامعه دارند به انتخاب رشته تحصیلی خود می‌پردازند، بدون اینکه هیچ گونه آگاهی در مورد ویژگی آن رشته تحصیلی داشته باشد (شفیع آبادی، ۱۳۹۳).

بایستی گفت بسیاری از افرادی که انتخاب رشته درستی ندارند، عوامل درستی را در انتخاب رشته خود در نظر نمی‌گیرند. از طرفی دیگر، افراد بسیاری نیز هستند که با وجودی که می‌دانند بایستی عوامل درستی مثل علایق و استعدادها و شرایط جامعه و خانوادگی خود را برای انتخاب در نظر بگیرند، اما هدایت تحصیلی درستی نمی‌شوند زیرا نمی‌دانند که چطور باید این عوامل را بشناسند و براساس آن رشته تحصیلی مناسبی را انتخاب کنند (مامی و امیدی، ۱۳۹۲). بنابراین دانش‌آموزان ابتدا برای انتخاب رشته صحیح بایستی به منابع اطلاعاتی موثر بر انتخاب رشته تحصیلی آگاهی و دسترسی داشته باشند. به نظر می‌رسد یکی از عوامل مهم عدم انتخاب رشته صحیح در دانش‌آموزان در کشور ما این است که این عدم آگاهی و دسترسی به منابع اطلاعاتی مؤثر بر انتخاب رشته، خصوصاً در استانهای محروم، باعث می‌شود دانش‌آموزان انتخاب

درستی نداشته باشند.

پژوهش حاضر با در نظر گرفتن اهمیت انتخاب رشته و هدایت تحصیلی در دانش‌آموزان، خصوصاً در دانش‌آموزان استان‌های محروم، به بررسی وضعیت آگاهی، دسترسی و استفاده دانش‌آموزان یکی از شهرستان‌های نسبتاً محروم کشور (شهرستان سی سخت در استان کهگیلویه و بویراحمد) به منابع اطلاعاتی مؤثر در انتخاب رشته مناسب تحصیلی می‌پردازد. بنابراین هدف پژوهش حاضر بررسی میزان آگاهی، دسترسی و استفاده از منابع اطلاعاتی مؤثر بر انتخاب رشته تحصیلی دانش‌آموزان شهرستان سی سخت در سال تحصیلی ۹۴-۹۵ بود.

روش

پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی از نوع پژوهش‌های پیمایشی است که وضعیت موجود میزان آگاهی، دسترسی و استفاده از منابع مؤثر بر انتخاب رشته تحصیلی در دانش‌آموزان را مورد بررسی قرار می‌دهد. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان سال دوم دوره متوسطه شهرستان سی سخت بود که در سال تحصیلی جدید (۹۴-۹۵) به انتخاب رشته پرداخته بودند. حجم جامعه بالغ بر ۳۱۰ نفر بود که بر اساس معیار تعیین حجم نمونه در جدول مورگان و کریسی (۱۹۷۰) ۱۸۷ نفر به شیوه نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای (بر اساس جنسیت) برای شرکت در پژوهش انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از یک پرسشنامه محقق ساخته جمع‌آوری و با استفاده از آزمون دو جمله‌ای^۱ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

پرسشنامه محقق ساخته: به منظور بررسی وضعیت آگاهی، دسترسی و استفاده دانش‌آموزان از منابع اطلاعاتی مؤثر در انتخاب رشته از یک پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد. برای طراحی سؤالات این پرسشنامه ابتدا با استفاده از مطالعه منابع نظری

(شفیع آبادی، ۱۳۹۳)، تحقیقات انجام شده در این زمینه (دیک و ریلیز^۱، ۱۹۹۱؛ گرمجیس و ورچون^۲، ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷) و استفاده از نظر متخصصان مربوطه، انواع منابع موثر بر انتخاب رشته مشخص و تعریف عملیاتی شدند. برخی از ابعاد به علت همپوشانی تعاریف عملیاتی، با یکدیگر تلفیق شدند. سپس در مرحله بعد با توجه به تعاریف عملیاتی برای هر بعد سؤالات اولیه طراحی شد. هر سؤال شامل سه قسمت آگاهی، دسترسی و استفاده در عمل برای انتخاب رشته تحصیلی می‌شد که پاسخ‌گویان به صورت دو گزینه بله و خیر به آن پاسخ می‌دادند. برای بررسی روایی صوری پرسشنامه طراحی شده، آزمون در اختیار ۱۵ نفر از دانش‌آموزان گروه هدف قرار داده شد. از آنان خواسته شد تا میزان اهمیت هر یک از گویه‌های پرسشنامه‌ها را در یک طیف لیکرتی ۵ قسمتی از ۱ (اصلاً مهم نیست) تا ۵ (کاملاً مهم است) مشخص نمایند. برای تعیین نمره روایی صوری، از روش تأثیر آیتیم^۳ استفاده شد، بدین صورت که برای بدست آوردن نمره تأثیر هر گویه، میزان اهمیت در تعداد آن ضرب شد. نتایج نشان داد که نمره تأثیر بدست آمده برای هر گویه از نمونه بیست نفره دانشجویان، بیشتر از ۱/۵ و بنابراین قابل قبول بود (برادر^۴ و همکاران، ۲۰۰۷). برای تعیین روایی محتوایی پرسشنامه طراحی شده نیز از نظرات ۱۰ کارشناس متخصص در این زمینه، که انواع اطلاعاتی مؤثر در انتخاب رشته نیز با کمک آن‌ها استخراج شد، استفاده شد. متخصصان در زمینه سطح دشواری و ابهام سؤالات و دستور زبان فارسی آن‌ها را مورد ویرایش قرار دادند. جهت بررسی شاخص روایی محتوا^۵ متخصصان «مربوط بودن»، «واضح بودن» و «ساده بودن» هر گویه را بر اساس یک طیف لیکرتی ۴ قسمتی مشخص کردند. نتایج فرمول محاسبه شاخص روایی محتوا نشان داد که تمام گویه‌ها دارای نمره‌ای بالاتر از ۰/۷۹ هستند (پولیت و

1. Dick, T. P. & Rallis, S. F.
 2. Germeijs, V. & Verschueren, K.
 3. item impact
 4. Broder, H. L.
 5. Content validity index.

بک^۱، (۲۰۰۶). نسبت روایی محتوایی^۲ نیز با توجه به نظر متخصصان و با استفاده از فرمول لاوشه^۳ (۱۹۷۵) مورد بررسی قرار گرفت که نتایج نشان داد نسبت ارزش‌های محاسبه شده برای هر گویه بالاتر از ۰/۶۲ بود.

در نهایت، پس از بررسی روایی صوری و روایی محتوایی و تغییر و یا حذف برخی از سؤالات، زیرمقیاسها و تعداد سؤالات باقی مانده عبارت بود از: استفاده نظرات متخصصان هر شغل (۲ سؤال)، استفاده از نظرات معلمان و دانش‌آموزان سال بالاتر (۳ سؤال)، استفاده از نظر مشاوران و مراکز مشاوره (۴ سؤال)، بازدید از مراکز شغلی (۲ سؤال)، انجام مطالعه فردی (۳ سؤال)، انجام تحقیق فردی (۲ سؤال)، تحلیل عملکرد تحصیلی سال‌های گذشته (۲ سؤال)، استفاده از وسایل سمعی بصری (۲ سؤال)، بررسی و سنجش علایق و استعدادها (۲ سؤال)، استفاده از خدمات مدارس (۳ سؤال). برای تعیین پایایی این پرسشنامه ابتدا در یک مطالعه مقدماتی سؤالات در اختیاره^۳ دانش‌آموز جامعه هدف قرار گرفت و با توجه به اینکه سؤالات طبق طیف لیکرت نبوده به صورت بله و خیر نمره‌گذاری می‌شدند، از روش کودر-ریچاردسون استفاده شد. ضریب آلفا با استفاده از روش کودر-ریچاردسون ۰/۹۴ بود که نشان از پایایی قابل قبول این پرسشنامه می‌داد.

یافته‌ها

فراوانی برخی از متغیرهای جمعیت شناختی شرکت‌کنندگان در پژوهش حاضر در جدول ۱ آورده شده است. همانطور که در جدول مشاهده می‌شود، از ۱۸۷ فرد شرکت‌کننده در پژوهش حاضر، ۷۷ نفر مرد و ۱۱۰ نفر زن بودند. تحصیلات والدین اکثر دانش‌آموزان شرکت‌کننده در پژوهش بیسواد و ابتدایی بود و اکثر آن‌ها هم درآمد خانوادگی زیر یک میلیون داشتند. ۷۲ نفر در رشته‌های علوم نظری یعنی ریاضی و

1. Polit, D. F. & Beck, C. T.

2. Content Validity Ratio.

3. Lawshe, C. H.

فیزیک، علوم تجربی و علوم انسانی مشغول به تحصیل بودند، ۴۴ نفر رشته‌های فنی و حرفه‌ای و ۷۱ نفر رشته‌های کاردانش را به عنوان رشته تحصیلی خود انتخاب کرده بودند. اکثر دانش‌آموزان نیز معدلی بین ۱۲ الی ۱۴ در سال گذشته تحصیلی خود یعنی اول دبیرستان کسب کرده بودند.

جدول ۱. فراوانی متغیرهای جمعیت شناختی در شرکت کنندگان پژوهش

متغیر	زیرمجموعه	فراوانی	درصد	متغیر	زیرمجموعه	فراوانی	درصد
تحصیلات	پدر	بیسواد و ابتدایی	۷۱	۳۸	رشته تحصیلی	مرد	۷۷
		راهنمایی و سیکل	۴۶	۲۴/۶		زن	۱۱۰
		دبیرستان و دیپلم	۲۹	۱۵/۵		علوم نظری	۷۲
تحصیلات	مادر	کاردانی و لیسانس	۳۷	۱۹/۸	معدل سال گذشته	فنی و حرفه‌ای	۴۴
		ارشد و بالاتر	۴	۲/۱		کاردانش	۷۱
		بیسواد و ابتدایی	۱۰۷	۵۷/۲		زیریک میلیون	۱۱۷
تحصیلات	مادر	راهنمایی و سیکل	۴۱	۲۱/۹	معدل سال گذشته	بین یک تا دو	۵۸
		دبیرستان و دیپلم	۲۱	۱۱/۲		بالاتر از دو میلیون	۱۲
		کاردانی و لیسانس	۱۴	۷/۵		۱۲ الی ۱۴	۸۴
تحصیلات	مادر	ارشد و بالاتر	۴	۲/۱	معدل سال گذشته	۱۵ الی ۱۷	۵۹
		بیسواد و ابتدایی	۱۰۷	۵۷/۲		۱۸ الی ۲۰	۴۴
		راهنمایی و سیکل	۴۱	۲۱/۹			

برای آزمون سؤالات پژوهش از آزمون دو جمله‌ای استفاده شد. در این آزمون میزان نسبت مشاهده شده با میزان نسبت مورد انتظار که در این پژوهش حالت حد وسط یعنی ۵۰ درصد در نظر گرفته شده مقایسه می‌شود. معنی دار بودن آزمون دو جمله‌ای نشان می‌دهد که فراوانی یک طبقه به طور معنی‌داری بیشتر از ۵۰ درصد است.

جدول ۲. نتایج آزمون دوجمله‌ای برای بررسی میزان آگاهی، دسترسی، استفاده دانش‌آموزان از نظرات متخصصان، معلمان و دانش‌آموزان سال بالاتر در انتخاب رشته تحصیلی

بعد	سؤال	موضوع	پاسخ	میزان آگاهی			میزان دسترسی			میزان استفاده	
				نسبت	مغنی داری	فراوانی	نسبت	مغنی داری	فراوانی	نسبت	مغنی داری
نقش متخصصان	۱	متخصصان در	بله	۰/۸۴	۱۵۸	۰/۷۸	۱۲۴	۰/۶۶	۱۲۴	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱
		اقوام و آشنایان	خیر	۰/۱۶	۲۹	۰/۲۲	۴۱	۰/۳۴	۶۳	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱
۲	متخصصان مشاغل مختلف	سایر	بله	۰/۸۹	۱۶۷	۰/۸۷	۱۶۳	۰/۶۱	۱۱۵	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱
		مشاغل مختلف	خیر	۰/۱۱	۲۰	۰/۱۳	۲۴	۰/۳۹	۷۲	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱
نظرات معلمان و دانش‌آموزان	۱	معلمان با	بله	۰/۸۹	۱۶۶	۰/۷۹	۱۴۷	۰/۴۹	۹۲	۰/۸۸۴	۰/۸۸۴
		تجربه و مرتبط با هر رشته	خیر	۰/۱۱	۲۱	۰/۲۱	۴۰	۰/۵۱	۹۵	۰/۸۸۴	۰/۸۸۴
	۲	نظرات معلمان در	بله	۰/۸۷	۱۶۲	۰/۸۳	۱۵۵	۰/۷۱	۱۵۵	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱
		کلاس و بحث‌های کلاسی	خیر	۰/۱۳	۲۵	۰/۱۷	۳۲	۰/۲۹	۱۳۲	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱
	۳	دانش‌آموزان	بله	۰/۷۸	۱۴۵	۰/۷۵	۱۴۱	۰/۶۵	۱۲۱	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱
		سال بالاتر	خیر	۰/۲۲	۴۲	۰/۲۵	۴۶	۰/۳۵	۶۶	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱

نتایج آزمون دو جمله‌ای به منظور بررسی میزان آگاهی، دسترسی، و استفاده دانش‌آموزان از نظرات متخصصان، معلمان و دانش‌آموزان سال بالاتر در انتخاب رشته تحصیلی خود، در جدول ۲ آورده شده است. همان طور که مشاهده می‌شود، دانش‌آموزان از نقش متخصصان، معلمان و دانش‌آموزان سال بالاتر برای کمک گرفتن در انتخاب رشته خود آگاه بودند، به آن‌ها دسترسی داشتند و در عمل هم از توضیحات و راهنمایی‌های آن‌ها برای انتخاب رشته خود استفاده کرده بودند. فقط در مورد معلمان با تجربه مرتبط با هر رشته، از کمک‌های آن‌ها در انتخاب رشته استفاده نکرده بودند که این نقص هم ناشی از در دسترس نبودن این معلمان نبود زیرا اکثر دانش‌آموزان گزارش کرده بودند که به معلمان با تجربه در این زمینه دسترسی دارند.

جدول ۳. نتایج آزمون دوجمله‌ای برای بررسی میزان آگاهی، دسترسی، استفاده دانش‌آموزان از خدمات مدارس، تحلیل عملکرد سال‌های گذشته خود و مشاوران و مراکز مشاوره در انتخاب رشته تحصیلی

بعد	سؤال	موضوع	پاسخ	میزان آگاهی			میزان دسترسی			میزان استفاده		
				معنی داری	نسبت	فراوانی	معنی داری	نسبت	فراوانی	معنی داری	نسبت	فراوانی
	۱	عملکرد مدارس در هفته مشاغل	بله خیر	۰/۵۶	۱۰۵	۰/۴۵	۸۴	۰/۱۸۸	۹۳	۰/۵۰	۹۹۹	
				۰/۴۴	۸۲	۰/۵۵	۱۰۳	۰/۵۰	۹۴			
خدمات مدارس	۲	بازدید دانشگاه‌ها از طرف مدرسه	بله خیر	۰/۶۰	۱۱۲	۰/۴۷	۸۷	۰/۳۸۰	۱۰۰	۰/۵۳	۳۸۰	
				۰/۴۰	۷۵	۰/۵۳	۱۰۰	۰/۴۷	۸۷			
	۳	دعوت مدرسه از متخصصان مشاغل مختلف	بله خیر	۰/۷۰	۱۳۱	۰/۵۰	۹۳	۰/۹۹۹	۱۰۱	۰/۵۴	۳۰۶	
				۰/۳۰	۵۶	۰/۵۰	۹۴	۰/۴۶	۸۶			
عملکرد سال قبل	۱	تحلیل فردی نمرات دوس سال‌های گذشته	بله خیر	۰/۸۳	۱۵۶	۰/۶۷	۱۲۶	۰/۰۰۰۱	۱۳۲	۰/۷۱	۰/۰۰۰۱	
				۰/۱۷	۳۱	۰/۳۳	۶۱	۰/۲۹	۵۵			
	۲	تحلیل توسط مدرسه و فرم هدایت تحصیلی	بله خیر	۰/۷۷	۱۴۴	۰/۷۲	۱۳۵	۰/۰۰۰۱	۱۲۵	۰/۶۷	۰/۰۰۰۱	
				۰/۲۳	۴۳	۰/۲۸	۵۲	۰/۳۳	۶۲			
	۱	استفاده از هسته مشاوره آموزش و پرورش	بله خیر	۰/۵۰	۹۴	۰/۵۰	۹۴	۰/۹۹۹	۹۲	۰/۵۱	۸۸۴	
				۰/۵۰	۹۳	۰/۵۰	۹۳	۰/۴۹	۹۵			
مشاوران و مراکز مشاوره	۲	استفاده از مشاوران مدارس	بله خیر	۰/۹۰	۱۶۸	۰/۸۶	۱۶۰	۰/۰۰۰۱	۱۰۵	۰/۵۶	۱۰۷	
				۰/۱۰	۱۹	۰/۱۴	۲۷	۰/۴۴	۸۲			
	۳	مراجعه به مشاوران خصوصی	بله خیر	۰/۷۴	۱۳۸	۰/۴۲	۷۸	۰/۰۰۰۱	۶۳	۰/۳۴	۰/۰۰۰۱	
				۰/۲۶	۴۹	۰/۵۸	۱۰۹	۰/۶۶	۱۲۴			
	۴	مراجعه به سایر مراکز مشاوره	بله خیر	۰/۷۱	۱۳۲	۰/۴۷	۸۸	۰/۴۶۵	۵۰	۰/۲۷	۰/۰۰۰۱	
				۰/۲۹	۵۵	۰/۵۳	۹۹	۰/۷۳	۱۳۷			

نتایج آزمون دو جمله‌ای در جدول ۳ نشان می‌دهد که دانش‌آموزان از نقش تحلیل عملکرد دروس سال‌های گذشته خود در انتخاب رشته مناسب آگاه بودند، به این تحلیل‌ها دسترسی داشتند و در عمل هم از آن برای انتخاب رشته تحصیلی خود استفاده کرده بودند. اما در مورد نقش عملکرد مدارس نتایج نشان می‌دهد که دانش‌آموزان از وظایفی که برای هدایت تحصیلی آن‌ها به عهده مدارس است آگاه بودند (البته آگاهی آن‌ها در مورد وجود هفته مشاغل و عملکرد مدرسه در آن هفته بیش از حد متوسط نبود)، اما این امکانات بیش از حد متوسط در دسترس آن‌ها نبود (و در واقع عملکرد مدارس در این زمینه بیش از حد متوسط نبود) و در نتیجه در عمل نیز دانش‌آموزان از عملکرد مدرسه در انتخاب رشته تحصیلی خود زیاد (بیش از حد متوسط) استفاده نکرده بودند. در نهایت، در مورد نقش مشاوران و مراکز مشاوره در انتخاب رشته مناسب نتایج آزمون دو جمله‌ای نشان داد که به غیر از آگاهی دانش‌آموزان از وجود هسته مشاوره در آموزش و پرورش شهرستان، آن‌ها در مورد نقش مشاوران مدرسه و خصوصی و مراکز مشاوره در انتخاب رشته تحصیلی آگاه بودند، اما در این میان، فقط مشاوران مدارس به طور معنی‌داری بیش از حد متوسط در دسترس آن‌ها بودند و هسته مشاوره آموزش و پرورش و مراکز مشاوره خصوصی زیاد (بیش از حد متوسط) در دسترس آن‌ها نبود. جالب اینکه مشاوران خصوصی کمتر از حد متوسط در دسترس آن‌ها بود. با وجود دسترسی به مشاوران مدارس، استفاده دانش‌آموزان از مشاوران مدارس بیش از حد متوسط نبود، در مورد هسته مشاوره آموزش و پرورش نیز همین مسئله صدق می‌کرد. و در نهایت اینکه دانش‌آموزان به طور معنی‌داری کمتر از حد متوسط از مشاوران و مراکز مشاوره خصوصی در انتخاب رشته تحصیلی خود استفاده می‌کردند.

جدول ۴. نتایج آزمون دوجمله‌ای برای بررسی میزان آگاهی، دسترسی، و استفاده دانش‌آموزان از اطلاعات حاصل از بازدید مشاغل، تحقیق فردی و مطالعه فردی در انتخاب رشته تحصیلی

بعد	سؤال	موضوع	پاسخ	میزان آگاهی		میزان دسترسی		میزان استفاده	
				مغنی	فراوانی	مغنی	نسبت	فراوانی	نسبت
بازدید مشاغل	۱	بازدید از مشاغل	بله	۱۵۲	۰/۸۱	۸۴	۰/۴۵	۶۹	۰/۳۷
			خیر	۳۵	۰/۱۹	۱۰۳	۰/۵۵	۱۱۸	۰/۶۳
بازدید مشاغل	۲	راهنمایی عملی یک متخصص در محیط شغلی	بله	۱۴۹	۰/۸۰	۸۳	۰/۴۴	۹۳	۰/۵۰
			خیر	۳۸	۰/۲۰	۱۰۴	۰/۵۶	۹۴	۰/۵۰
تحقیق فردی	۱	تحقیق در مورد مشاغل آینده هرکدام ارزشه‌ها	بله	۱۵۸	۰/۸۴	۱۵۱	۰/۸۱	۱۵۲	۰/۸۱
			خیر	۲۹	۰/۱۶	۳۶	۰/۱۹	۳۵	۰/۱۹
تحقیق فردی	۲	درک ضرورت و انجام تحقیق به‌طور مسئولانه	بله	۱۵۴	۰/۸۲	۱۳۰	۰/۷۰	۱۲۵	۰/۶۷
			خیر	۳۳	۰/۱۸	۵۷	۰/۳۰	۶۲	۰/۳۳
مطالعه فردی	۱	مطالعه کتاب‌ها، مجلات و منابع اطلاعات شغلی	بله	۱۳۵	۰/۷۲	۱۰۶	۰/۵۷	۹۰	۰/۴۸
			خیر	۵۲	۰/۲۸	۸۱	۰/۴۳	۹۷	۰/۵۲
مطالعه فردی	۲	مطالعه سرگذشت افراد موفق شغلی	بله	۱۴۹	۰/۸۰	۹۹	۰/۵۳	۱۰۵	۰/۵۶
			خیر	۳۸	۰/۲۰	۸۸	۰/۴۷	۸۲	۰/۴۴
مطالعه فردی	۳	مطالعه کتاب برنامه‌ریزی تحصیلی - شغلی دبیرستان	بله	۱۵۱	۰/۸۱	۱۳۵	۰/۷۲	۱۳۱	۰/۷۰
			خیر	۳۶	۰/۱۹	۵۲	۰/۲۸	۵۶	۰/۳۰

نتایج آزمون دوجمله‌ای برای بررسی میزان آگاهی، دسترسی، و استفاده دانش‌آموزان از اطلاعات حاصل از بازدید مشاغل، تحقیق فردی و مطالعه فردی در انتخاب رشته تحصیلی در جدول ۴ آورده شده است. نتایج نشان می‌دهد که دانش‌آموزان از اهمیت انجام تحقیق فردی برای کسب اطلاعات در مورد مشاغل مختلف آگاه بودند و برای انتخاب رشته به صورت فردی تحقیق می‌کردند و از اطلاعات حاصل از آن نیز در عمل استفاده کرده بودند. نتایج نشان می‌دهد که دانش‌آموزان از اهمیت بازدید از مشاغل برای راهنمایی در انتخاب رشته مناسب آگاه بودند، اما در عمل امکان بازدید برای آن‌ها زیاد وجود نداشت و در انتخاب رشته نیز در حد متوسطی از اطلاعات حاصل از آن استفاده کرده بودند. همچنین دانش‌آموزان از اهمیت انجام مطالعه فردی به عنوان راهنمایی برای انتخاب رشته خود آگاه بودند، اما به جز کتاب برنامه‌ریزی تحصیلی - شغلی که در سال

اول دبیرستان به آن‌ها ارائه می‌شود، منابع مطالعه دیگری، به طور معنی‌دار در دسترس آن‌ها نبود و از آن نیز در انتخاب رشته به طور معنی‌داری استفاده نکرده بودند. در نهایت، نتایج تحلیل داده‌ها در جدول ۵ نشان می‌دهد که دانش‌آموزان شرکت‌کننده در پژوهش نسبت به اهمیت استفاده از نتایج سنجش علاقه و استعداد هایشان، با استفاده از آزمون‌های روانشناختی، در انتخاب رشته خود آگاه بودند، فرصت و امکان انجام آن در اختیارشان قرار داشت و از نتایج آن هم در انتخاب رشته خود بهره‌جسته بودند. اما در عین حالی که نسبت به اهمیت استفاده از وسایل سمعی-بصری در کسب اطلاعات برای انتخاب رشته مناسب آگاه بودند، اما فقط برنامه‌های رسانه‌های عمومی مانند رادیو و تلویزیون در دسترس آن‌ها قرار داشت و به رسانه‌های خصوصی مانند فیلم‌های آموزشی دسترسی نداشتند. در عمل هم از اطلاعات ارائه شده توسط رسانه‌های عمومی در انتخاب رشته خود به طور معنی‌داری استفاده نکرده بودند، در حالی که از فیلم‌های آموزشی هم در حد کم‌تر از متوسط استفاده کرده بودند.

جدول ۵. نتایج آزمون دوجمله‌ای برای بررسی میزان آگاهی، دسترسی، و استفاده دانش‌آموزان از وسائل

سمعی و بصری و اطلاعات حاصل از سنجش علائق و استعدادها در انتخاب رشته تحصیلی

بعد سؤال	موضوع	پاسخ	میزان آگاهی			میزان دسترسی			میزان استفاده	
			معنی‌داری	نسبت	فراوانی	معنی‌داری	نسبت	فراوانی	نسبت	معنی‌داری
سمعی و بصری	۱ دیدن فیلم‌های آموزشی	بله	۰/۷۲	۱۳۴	۰/۴۸	۹۰	۰/۴۱	۷۷	۰/۰۱۹	
		خیر	۰/۲۸	۵۳	۰/۵۲	۹۷	۰/۵۹	۱۱۰	۰/۵۶۱	
۲	دیدن برنامه‌های رادیو و تلویزیون	بله	۰/۷۱	۱۳۲	۰/۷۱	۱۳۲	۰/۵۲	۹۸	۰/۵۵۹	
		خیر	۰/۲۹	۵۵	۰/۲۹	۵۵	۰/۴۸	۸۹	۰/۰۰۰۱	
۱	انجام آزمون‌های روانشناختی	بله	۰/۸۳	۱۵۵	۰/۶۹	۱۲۹	۰/۶۶	۱۲۳	۰/۰۰۰۱	
		خیر	۰/۱۷	۳۲	۰/۳۱	۵۸	۰/۳۴	۶۴	۰/۰۰۰۱	
۲	توجه و انجام شیوه‌های دیگر ارزیابی ویژگی‌ها	بله	۰/۸۸	۱۶۴	۰/۷۸	۱۴۶	۰/۷۰	۱۳۱	۰/۰۰۰۱	
		خیر	۰/۱۲	۲۳	۰/۲۲	۴۱	۰/۳۰	۵۶	۰/۰۰۰۱	

بحث و نتیجه گیری

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که دانش‌آموزان نسبت به اهمیت استفاده از نظرات متخصصان هر شغل، معلمان و دانش‌آموزان سال بالاتر در انتخاب رشته صحیح آگاهی داشتند، این افراد در دسترس آن‌ها بودند و از نظرات آن‌ها هم در انتخاب رشته تحصیلی خود استفاده کرده بودند. این یافته همسوی با نتایج مطالعه گارسیا و همکاران (۲۰۱۱) بود. معلم به عنوان فردی که بیشترین وقت را با دانش‌آموز می‌گذراند، با شناختی که از دانش‌آموز به دست می‌آورد، می‌تواند اطلاعات خوبی در مورد انتخاب رشته تحصیلی به وی بدهد (شفیع آبادی، ۱۳۹۳). وقتی به معلمان در این زمینه آگاهی و آموزش‌های لازم ارائه شود، می‌توانند نقش مکملی را در کنار مشاور مدرسه ایفا کنند و روند هدایت تحصیلی دانش‌آموزان را تسهیل کنند. متخصصان هر رشته نیز می‌توانند اطلاعات کاملی را به شکل مختصر و ساده به دانش‌آموزان منتقل کنند و سؤالات دانش‌آموزان را در حیطه تخصص خودشان پاسخ گویند. این کار باعث می‌شود بسیاری از ابهاماتی که دانش‌آموز در زمینه انتخاب رشته و مشاغل آینده احتمالی دارد برطرف شده و دانش‌آموز یک الگویی از شغل مورد نظر آینده خود را به عینه مشاهده کند. در نهایت، دانش‌آموز سال بالاتر به عنوان فردی که مسیر هدایت تحصیلی را در سالهای گذشته طی کرده است می‌تواند به دانش‌آموزان کنونی، درباره شیوه‌های کسب اطلاع از رشته‌های تحصیلی و مشکلات پیش روی انتخاب رشته دانش‌آموزان، اطلاعات بسیار مفیدی بدهد. شفیع آبادی (۱۳۹۳) معتقد است که تعامل همسالان (دانش‌آموزان) با یکدیگر می‌تواند به افراد کمک کند تا خود را بهتر بشناسند و برای انتخاب مسیر شغلی خود تصمیم‌های بهتری بگیرند.

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که دانش‌آموزان نسبت به تحلیل نتایج عملکرد تحصیلی خود در سال‌های قبل برای انتخاب رشته مناسب آگاهی داشتند، این مهم برای آن‌ها فراهم شده بود و در عمل نیز برای انتخاب رشته تحصیلی از این نتایج استفاده

کرده بودند. این یافته همسوبا نتایج مطالعه کرم دوست و همکاران (۱۳۸۵) بود. آن‌ها در پژوهش خود نشان دادند که عملکرد تحصیلی قبلی به تنهایی قادر است درصد قابل توجهی از پیشرفت بعدی دانش‌آموزان دوره متوسطه را تبیین نماید و لذا می‌تواند به عنوان ابزار مفید و نیرومندی برای هدایت تحصیلی دانش‌آموزان توسط مشاوران مورد استفاده قرار گیرد. اما برخی دیگر معتقدند که تحلیل عملکرد تحصیلی سال‌های گذشته به تنهایی ملاک مناسبی برای انتخاب رشته دانش‌آموزان نیست (والدمن و کوربار، ۲۰۰۴). زیرا دانش‌آموز ممکن است به علت مشکلات روحی، جسمانی و یا خانوادگی قادر به کسب نمرات خوب در دروس سال‌های گذشته نبوده باشد، در حالی که با از بین رفتن این مشکلات، دانش‌آموز می‌تواند به عملکرد تحصیلی خوب خود بازگردد. همچنین بسیاری از دانش‌آموزان دبیرستان که در سن هویت یابی هستند ممکن است به دلیل سردرگمی‌هایی که در یافتن هویت خود دارند در تحصیل نیز دچار مشکل شده و عملکرد تحصیلی آن‌ها افت کند. در حالی که با دست‌یابی به یک هویت موفق در سنین بالاتر ممکن است این عملکرد تحصیلی به نوعی جبران شود یا افزایش پیدا کند (فلوید^۲، ۲۰۱۰).

نتایج نشان داد که دانش‌آموزان از خدماتی که مدرسه می‌تواند به آن‌ها برای انتخاب رشته مناسب بدهد آگاه بودند، اما مدرسه این خدمات را خیلی زیاد در اختیار آن‌ها قرار نمی‌داد، در نتیجه دانش‌آموزان نیز در عمل از این خدمات برای انتخاب رشته استفاده نکرده بودند. ضمناً، به طور مشابه، در مورد مشاوره و خدمات مراکز مشاوره خصوصی هم به مانند خدمات مدرسه، علی‌رغم اینکه دانش‌آموزان از نقش مشاور در انتخاب رشته مناسب آگاه بودند، اما امکان مراجعه به مشاوره برای آن‌ها فراهم نبود. دانش‌آموزان فقط به مشاور مدرسه دسترسی داشتند که جالب اینکه از خدمات مشاور مدرسه نیز به طور معنی‌داری در انتخاب رشته تحصیلی خود استفاده نکرده بودند. برخلاف نظر شفیع

1. Waldman, D. A. & Korbar, T.

2. Floyd, N. E.

آبادی (۱۳۹۳) در مورد نقش مدارس در فراهم آوردن امکاناتی برای انتخاب رشته مناسب دانش‌آموزان مانند ارائه واحد شناسایی مشاغل، برنامه معرفی مشاغل، تهیه بروشور و مطالب خواندنی و غیره، گویا هنوز مدارس در کشور ما عمده وظیفه خود در انتخاب رشته دانش‌آموزان را صرفاً وجود یک مشاور در مدرسه می‌بینند و مابقی کادر مدرسه، اقدام قابل توجهی در این زمینه انجام نمی‌دهند. عدم استفاده زیاد دانش‌آموزان از نظرات تخصصی مشاوران مدرسه (حتی با وجود آگاهی از نقش مهم مشاور در انتخاب رشته) را می‌توان به دو دلیل نسبت داد. اول اینکه ممکن بود به دلیل ضعف علمی و عملی مشاور، دانش‌آموزان به وی به عنوان یک فرد متخصص اعتماد نکرده باشند. دوم اینکه، برخی از مشاوران به دلیل عدم ارتباط مناسب با دانش‌آموزان در سایر موارد و در دسترس بودن آن‌ها صرفاً در موقع انتخاب رشته، ممکن بود نتوانسته باشند ارتباط صحیح مشاوره‌ای با دانش‌آموزان برقرار کرده و در هدایت دانش‌آموزان نقش مؤثرتری را ایفا کنند. در مورد عدم دسترسی دانش‌آموزان به مراکز خصوصی مشاوره نیز می‌توان گفت یا آن‌ها شرایط مالی برای استفاده از این خدمات را نداشتند و یا اینکه به علت کوچک و محروم بودن شهر، مراکز خصوصی مشاوره در اطراف آن‌ها وجود نداشت.

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که دانش‌آموزان نسبت به اهمیت تحقیق و مطالعه فردی، و بازدید از مشاغل برای کسب اطلاعات شغلی جهت انتخاب رشته تحصیلی آگاه بودند، اما فقط منابع تحقیق فردی در دسترس آن‌ها قرار داشت و به جز، دسترسی به کتاب برنامه ریزی تحصیلی-شغلی پایه نهم، به هیچ منبع مطالعه فردی دسترسی نداشتند و امکان بازدید از مشاغل برای آن‌ها فراهم نشده بود. این یافته همسوبا نتایج مطالعات شریفی و اکبری (۱۳۸۶)، مامی و امید (۱۳۹۲) و امین بیدختی و دارایی (۱۳۹۰) بود. مامی و امید (۱۳۹۲) گزارش کردند که بی‌اطلاعی از وضعیت بازار کار و هدایت تحصیلی نامناسب با انتخاب رشته تحصیلی دانش‌آموزان در دبیرستان با انتخاب رشته نامناسب ارتباط دارد. امین بیدختی و دارایی (۱۳۹۰) نیز در مورد بی

اطلاعی از بازار کار به نتایج مشابهی دست یافتند. این درحالی است که یکی از منابع مهم بالارفتن اطلاعات فردی دانش‌آموزان تحقیق و مطالعه فردی است (شفیع آبادی، ۱۳۹۳). احتمالاً به دانش‌آموزان شرکت‌کننده در پژوهش حاضر منابع کافی مطالعاتی مانند کتاب‌ها، بروشورها و دسترسی به اینترنت و آموزش نحوه جستجو در اینترنت داده نشده بود، زیرا استفاده از تحقیق فردی و همچنین آموزش‌های کتاب برنامه ریزی تحصیلی-شغلی در آن‌ها نشان می‌داد که این دانش‌آموزان با توجه به آگاهی که در مورد نقش مطالعه در بالابردن میزان آگاهی‌شان داشتند، احتمالاً در صورت در دسترس بودن منابع مطالعاتی حتماً از آن برای انتخاب رشته مناسب خود استفاده کرده بودند. یکی از علت‌های مهم این مسئله می‌تواند ضعف مدرسه و آموزش و پرورش در فراهم کردن امکانات مطالعه فردی و بازدید برای دانش‌آموزان باشد. بسیاری از والدین مسئولیت آگاهی دادن به دانش‌آموز برای انتخاب رشته تحصیلی را به عهده مدرسه می‌اندازند و بسیاری از مدارس هم این مسئولیت را صرفاً بر عهده مشاور مدرسه می‌دانند. این باعث می‌شود عملکرد تیمی در مدرسه شامل همکاری معلم، مدیر، کادر مدرسه و مشاور (شفیع آبادی، ۱۳۹۳) مختل شود و منابع اطلاعاتی درستی در اختیار دانش‌آموزان قرار داده نشود. از طرفی دیگر، نمی‌توان علت این مسئله را به محروم بودن شهر محل سکونت دانش‌آموزان و عدم امکانات شهری و آموزش و پرورش نسبت داد. زیرا با وجود توسعه شبکه اینترنت در تمامی شهرهای کشور، بسیاری از مدارس، مراکز خدمات دهی اینترنتی و حتی منازل در شهرهای کشور به اینترنت دسترسی دارند و بسیاری از منابع مطالعاتی در اینترنت قابل دسترسی هستند.

جدای از منابع مطالعاتی، امکان بازدید از مراکز شغلی نیز برای بسیاری از دانش‌آموزان فراهم نشده بود. این مسئله در حالی است که بازدید از مشاغل به دلیل اینکه می‌تواند اطلاعات عینی و دست‌اولی را در مورد یک شغل و شرایط محیط شغلی در اختیار دانش‌آموزان قرار دهد (شفیع آبادی، ۱۳۹۳) یکی از بهترین راه‌های کسب اطلاعات شغلی است و می‌تواند به دانش‌آموزان برای انتخاب رشته بهتر کمک زیادی

بکند. اطلاعاتی که دانش آموز از طریق بازدید از مشاغل کسب می‌کند را نمی‌توان با هیچ روش دیگری جایگزین کرد. با این وجود، در اینجا نیز ما شاهد یک کم کاری از سوی آموزش و پرورش هستیم، و به مانند منابع مطالعاتی، این مسئله را به هیچ وجه نمی‌توان به کمبود منابع نسبت داد زیرا در هر شهری امکان بازدید از برخی از مشاغل وجود دارد. همان طور که اشاره شد، تنها منبع مطالعاتی که دانش‌آموزان از آن برای انتخاب رشته استفاده کرده بودند کتاب برنامه ریزی تحصیلی بود که در دسترس بسیاری از آن‌ها قرار داشت. شریفی و اکبری (۱۳۸۶) در پژوهشی گروهی از دانش‌آموزانی که درس برنامه ریزی تحصیلی و شغلی را گذرانده بودند با گروهی که این درس را نگذرانده بودند مورد مقایسه قرار دادند. نتایج مطالعه آن‌ها نشان داد دانش‌آموزانی که این درس را گذرانده بودند از عملکرد تحصیلی بهتری در سال بعد برخوردار بودند و رضایت بیشتری از انتخاب رشته خود داشتند.

در نهایت، یافته‌های این پژوهش نشان داد که دانش‌آموزان از وسایل سمعی و بصری برای کسب اطلاعات در مورد انتخاب رشته خود استفاده نکرده بودند، اما از سنجش ویژگی‌های شخصیتی و علایق و استعداد‌های خود با استفاده از آزمون‌های روانی برای آگاهی از ویژگی‌های خود برای انتخاب رشته استفاده کرده بودند. البته دانش‌آموزان نسبت به اهمیت هر دو این منابع یعنی وسایل سمعی و بصری و استفاده از آزمون‌های روانی در انتخاب رشته آگاهی داشتند. این یافته همسوبا نتایج مطالعه ربانی و ربیعی (۱۳۹۰) بود. آن‌ها در مطالعه خود گزارش کردند که ۶۵ درصد پاسخگویان علایق و نظر خودشان را مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر انتخاب رشته معرفی کردند و بر اهمیت این عامل در انتخاب رشته آگاه بودند. مشاوران مدرسه هم نیز در این زمینه عملکرد خوبی دارند و برای سنجش ویژگی‌های دانش‌آموزان در انتخاب رشته، از آزمون‌های روانی در سال قبل از انتخاب رشته استفاده می‌کنند و بایستی در این زمینه برای تشکیل پرونده دانش‌آموزان اقدام کنند.

همان‌طور که اشاره شد، وسایل سمعی و بصری به جز رادیو و تلویزیون در دسترس بسیاری از دانش‌آموزان نبود. این مسئله را نمی‌توان ناشی از کم‌کاری خانواده یا مدرسه دانست و به نظر می‌رسد در کشور ما هنوز در این زمینه تلاش زیادی صورت نگرفته و اهمیت آن درک نشده است و بنابراین وسایل آموزشی کمی در این زمینه وجود دارند. وسایل سمعی و بصری می‌توانند اطلاعات مفیدی را در مورد رشته‌های شغلی مختلف در اختیار دانش‌آموز قرار دهد و نسبت به منابع مطالعاتی و خواندنی جذابیت بیشتری برای دانش‌آموز داشته باشند، و باعث صرفه‌جویی در وقت مشاور و مدرسه در این زمینه شوند (شفیع‌آبادی، ۱۳۹۳) اما گویا هنوز به اهمیت آن در انتخاب رشته پی نبرده شده است و آموزش‌های تصویری و صوتی محدودی از سوی صدا و سیما در مورد انتخاب رشته دانش‌آموزان انجام می‌شود و مؤسسات خصوصی هم در این زمینه عملکرد خاصی تاکنون نداشته‌اند.

با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر می‌توان نتیجه گرفت که مدارس در زمینه انتخاب رشته دانش‌آموزان بایستی نقش فعال‌تری داشته باشند، خصوصاً در فراهم کردن امکاناتی چون منابع مطالعاتی مؤثر برای دانش‌آموزان، امکان بازدید از مشاغل مختلف، وسایل سمعی و بصری و فراهم کردن زمینه‌ای برای استفاده دانش‌آموزان از مراکز مشاوره. بالا بردن آگاهی دانش‌آموزان در زمینه انتخاب رشته از مهمترین وظایف مدارس است. اگر مدارس دارای امکانات کافی و مناسب باشند و همچنین مشاوران مجربی را در اختیار داشته باشند می‌توانند اطلاعات مناسبی را در اختیار دانش‌آموزان و والدین آن‌ها بگذارند. مدارس با کمک مشاوران می‌توانند با تشکیل جلساتی برای والدین در مورد انتخاب رشته مناسب، اطلاعات لازم را در اختیار والدین بگذارند و همچنین با پخش بروشورها و مطالب خواندنی در مدارس و فراهم کردن بازدید دانش‌آموزان از مشاغل مختلف به دانش‌آموزان اطلاعات کافی در این زمینه بدهند. به‌طور کلی، مدارس نباید در انتخاب رشته همه مسئولیت‌ها را به عهده مشاور بگذارند و بایستی با تشکیل کارگروه‌هایی متشکل از معلمان، مشاور و کادر مدرسه در این زمینه اقدامات لازم را انجام

دهند. والدین نیز بایستی تمام مسئولیت‌های انتخاب رشته را به عهده مدرسه و مشاوران مدارس بگذرانند. آن‌ها بایستی امکانات لازم را برای دانش‌آموز در این زمینه فراهم کنند، مطالب مطالعاتی برای دانش‌آموزان فراهم کنند، آن‌ها را تشویق کنند تا به تحقیق و مطالعه فردی برای انتخاب رشته مناسب بپردازند، امکان دیدار و صحبت دانش‌آموز با متخصصان مشاغل مختلف را برای آن‌ها فراهم کنند و خصوصاً اینکه از خدمات سایر مشاوران و مراکز مشاوره خصوصی در این زمینه بهره‌گیرند.

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که داشتن آگاهی صرف از منابع مؤثر در انتخاب رشته دلیل بر استفاده دانش‌آموزان از آن‌ها برای انتخاب رشته مناسب نمی‌شود. چه بسا دانش‌آموزان از نقش بسیاری از عوامل در انتخاب رشته بهتر خود آگاهند ولی به دلایل مختلفی همچون فقر مالی، آگاهی و سطح تحصیلات پایین خانواده، به این منابع دسترس ندارند و در نتیجه نمی‌توانند عملاً از آن‌ها برای انتخاب رشته مناسب استفاده کنند. این مسئله ضرورت نقش سازمان آموزش و پرورش در فراهم کردن امکانات لازم در این زمینه و همچنین همکاری سایر ارگان‌های شغلی با آموزش و پرورش را نمایان می‌کند. در مناطق محروم کشور، نقش سازمان آموزش و پرورش بایستی پررنگ‌تر باشد و نمی‌توان از والدین و خانواده‌ها در آن مناطق انتظار خاصی داشت.

با این وجود، پژوهش حاضر دارای محدودیت‌هایی بود که بایستی در تعمیم نتایج آن به این محدودیت‌ها توجه کرد. محدودیت اول اینکه به علت پایین بودن تعداد شرکت‌کنندگان در زیرگروه‌ها و همچنین طولانی شدن پژوهش، نتایج پژوهش به تفکیک رشته‌های تحصیلی انجام نشده بود. در واقع، میزان آگاهی، دسترسی و استفاده دانش‌آموزان از منابع مؤثر در انتخاب رشته می‌توانست در رشته‌های مختلف تحصیلی متفاوت باشد و باعث سوق دانش‌آموزان به رشته‌های خاصی شده باشد که این موضوع در پژوهش حاضر مورد بررسی قرار نگرفت. دوم اینکه نقش متغیرهای میانجی همچون سطح تحصیلات والدین و درآمد خانوادگی بر میزان آگاهی، دسترسی و استفاده

دانش‌آموزان از منابع مؤثر در انتخاب رشته به دلیل محدود بودن تعداد افراد در زیرگروه‌ها مورد بررسی قرار نگرفت. البته، هدف پژوهش حاضر بیشتر تحلیل توصیفی وضعیت موجود بود تا تحلیل عوامل مؤثر بر آگاهی نسبت به منابع مؤثر در انتخاب رشته. در نهایت، یکی از مهمترین محدودیت‌های این پژوهش، وجود پیشینه پژوهشی بسیار محدود در زمینه انتخاب رشته دانش‌آموزان بود که بررسی‌های نظری و طراحی پرسشنامه را با مشکلاتی روبرو کرد. محدود پژوهش‌های انجام شده در زمینه انتخاب رشته نیز عمدتاً در انتخاب رشته دانشجویان دانشگاه انجام شده بود در حالی که انتخاب رشته دوره متوسطه پیش‌زمینه و مقدمه انتخاب رشته در دانشگاه است و بایستی پژوهش‌های بیشتری در مورد آن انجام شود. با توجه به این محدودیت‌ها، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آتی در این زمینه، در شهرهای مختلف کشور نیز انجام شوند تا وضعیت آگاهی از منابع مؤثر در انتخاب رشته در شهرهای دیگر که ممکن است از لحاظ امکانات بالاتر یا پایین‌تر از شهرستان سی سخت باشند نیز مورد بررسی قرار گرفته باشد. همچنین پیشنهاد می‌شود پژوهش مشابهی به تفکیک رشته‌های مختلف تحصیلی نیز انجام شود تا بتوان اطلاعات بیشتری در مورد نحوه سوق دانش‌آموزان به رشته‌های مختلف براساس آگاهی از منابع مؤثر در انتخاب رشته بدست آورد. در نهایت، بررسی عواملی که می‌توانند آگاهی نسبت به منابع اطلاعاتی مؤثر بر انتخاب رشته (مانند وضعیت اجتماعی-اقتصادی خانواده، سطح تحصیلات والدین، شهر محل سکونت) را تحت تأثیر قرار دهند نیز در پژوهش‌های آتی توصیه می‌شود.

منابع

- احمدی، س.ا. (۱۳۸۳). مبانی و اصول راهنمایی و مشاوره. تهران: انتشارات سمت.
- امین بیدختی، ع.ا.، دارابی، م. (۱۳۹۰). بررسی علل گرایش کم دانش‌آموزان دختر مستعد به رشته علوم انسانی در دبیرستان‌های شهر سمنان. ره‌یافتی نودمدی‌ویز آموزش، ۱۲(۱)، ۱-۲۷.
- بهنام‌فر، ر.، ضامنی، ف.، عنایتی، ت. (۱۳۹۴). تأثیر عدم رضایت از رشته تحصیلی بر رفتار سکوت کلاسی. دو ماهنامه علمی-پژوهشی راهبردهای آموزش در علوم پزشکی، ۸(۳)، ۱۴۹-۱۴۵.

- حسین پور، م.، حسن زاده، ر.، مداح، م. ت. (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین علاقه مندی به رشته‌ی تحصیلی و پیشرفت تحصیلی: در دروس مهارتی دانش‌آموزان سال سوم هنرستان‌های کار دانش شهرستان محمودآباد مازندران در سال تحصیلی ۸۸-۱۳۸۷. مجله رشد مشاور مدرسه، ۲۰، ۱۴-۱۲.
- حکیم، ا. ا. (۱۳۹۲). مولفه‌های تاشی‌رگذار بر می‌زان رضای‌تمندی دانشجویان پرستاری از رشته تحصیلی‌ی. مجله آموزش پرستاری، ۲۲(۲)، ۱۰-۲۰.
- ربانی، ر.، ربیعی، ک. (۱۳۹۰). ارزیابی انتخاب رشته و تأثیر آن بر رضایت تحصیلی دانشجویان. فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، ۱۷(۲)، ۱۲۰-۹۹.
- شریفی، ح. پ.، اکبری، ا. (۱۳۸۶). بررسی می‌زان تاشی‌ر درس برنامه ریزی تحصیلی و شغلی در راهنمایی تحصیلی دانش‌آموزان. فصلنامه پژوهش‌های مشاوره، ۲۴، ۵۳-۷۸.
- شفیع‌آبادی، ع. (۱۳۸۹). راهنمایی و مشاوره تحصیلی و شغلی (مفاهیم و کاربردها). تهران: انتشارات سمت.
- شفیع‌آبادی، ع. (۱۳۹۳). راهنمایی و مشاوره شغلی و حرفه‌ای و نظریه‌های انتخاب شغل. تهران: انتشارات رشد.
- شکرکن، ح.، عطاری، ی. ع.، فلاحتی، ع. م. (۱۳۸۷). مقایسه عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان پسر نظام جدید ترم ششم بر اساس اولویت‌های پنجگانه تعیین شده طبق برنامه هدایت تحصیلی. مجله علوم تربیتی و روانشناسی (دانشگاه اهواز)، ۶(۱-۲)، ۱۲-۲۶.
- عزیززی، ن. (۱۳۸۷). بررسی چالش‌ها و نارسایی‌های تحصیلات دانشگاهی در حوزه علوم انسانی: تأملی بر نظرات دانشجویان. فصلنامه آموزش عالی ایران، ۲، ۱-۲۰.
- عنبری، ز.، جمیلیان، ح. ر.، رفیعی، م. م.، قمی، م. م.، مسلمی، ز. (۱۳۹۲). رابطه رضایت از رشته تحصیلی با سلامت روان و پیشرفت تحصیلی در بین دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی اراک. مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، ۱۳(۶)، ۴۹۷-۴۸۹.
- کرم دوست، ن. ع.، زندوان‌یان، ا.، ابوالقاسمی، م. (۱۳۸۵). طراحی الگوهای مناسب جهت هدایت تحصیلی دانش‌آموزان دوره متوسطه. فصلنامه روانشناسی و علوم تربیتی، ۳۶، ۹۹-۱۲۲.
- مامی، ش.، امیدی، ع. (۱۳۹۲). بررسی علل روانی گرایش مفرط دانش‌آموزان دختر دبیرستان‌های شهر ایلام به تحصیل در رشته علوم تجربی. پژوهش‌های علوم انسانی، ۲۹، ۱۵۵-۱۸۲.
- مرادی، ا.، اخوان تفتی، م. (۱۳۹۲). بررسی رضایت دانش‌آموزان دوره متوسطه نظری از انتخاب رشته خوبی‌ش و عوامل موثر بر آن. فصلنامه روانشناسی تربیتی، ۹(۲۸)، ۱۲۱-۱۳۸.
- Broder, H. L., McGrath, C., & Cisneros, G. J. (2007). Questionnaire development: face validity and item impact testing of the Child Oral Health Impact Profile. *Community dentistry and oral epidemiology*, 35(s1), 8-19.
- Dick, T. P., & Rallis, S. F. (1991). Factors and influences on high school students' career choices. *Journal for Research in Mathematics Education*, 281-

292.

- Floyd, N. E. (2010). Identity and achievement: A depth psychology approach to student development. *Small Group Research*, 41(1), 71-84.
- Garcia, P. R. J. M., Restubog, S. L. D., Toledano, L. S., Tolentino, L. R., & Rafferty, A. E. (2011). Differential moderating effects of student-and parent-rated support in the relationship between learning goal orientation and career decision-making self-efficacy. *Journal of Career Assessment*, 20(1), 22-33.
- Germeijs, V., & Verschueren, K. (2006). High school students' career decision-making process: Development and validation of the study choice task inventory. *Journal of Career Assessment*, 14(4), 449-471.
- Germeijs, V., & Verschueren, K. (2007). High school students' career decision-making process: Consequences for choice implementation in higher education. *Journal of Vocational Behavior*, 70(2), 223-241.
- Gordon, V., & Steele, G. (2003). Undecided first-year students: A 25-year longitudinal study. *Journal of the First-Year Experience & Students in Transition*, 15(1), 19-38.
- Gushue, G. V., Scanlan, K. R., Pantzer, K. M., & Clarke, C. P. (2006). The relationship of career decision-making self-efficacy, vocational identity, and career exploration behavior in African American high school students. *Journal of Career Development*, 33(1), 19-28.
- Lawshe, C. H. (1975). A quantitative approach to content validity1. *Personnel psychology*, 28(4), 563-575.
- Polit, D. F., & Beck, C. T. (2006). The content validity index: are you sure you know what's being reported? Critique and recommendations. *Research in nursing & health*, 29(5), 489-497.
- Waldman, D. A., & Korbar, T. (2004). Student assessment center performance in the prediction of early career success. *Academy of Management Learning & Education*, 3(2), 151-167.